

# ایران‌شناسی در دانمارک

احسان شواربی مقدم\*

دانمارکی و نیز مطالبی در ارتباط با ایران‌شناسی از دیگر ممالک اروپایی که به نوعی در سیر تکوین ایران‌شناسی در دانمارک و بویژه دانشگاه کپنهاگ نقش داشته‌اند، عرضه شده و مطالب آن، در عین رعایت ایجاز، با دقت و ریزی نوبسند همراه است.

این مقاله از داستان مشهور سفر آدام اولتاریوس<sup>۴</sup> آلمانی به ایران در دوره صفویه و ترجمه آلمانی او از گلستان سعدی آغاز شده و در پی آن، به لارس ن. بویسن<sup>۵</sup> که در سال ۱۸۵۳ ترجمه دانمارکی گلستان را منتشر ساخت، اشاره شده است. از آن زمان تدریس زبان فارسی در دانشگاه کپنهاگ آغاز شد و در مقاله آسموسن<sup>۶</sup>، به اساتید ایران‌شناسی این دانشگاه که از آن پس به تدریس زبان فارسی جدید و نیز زبان‌های باستانی ایرانی روی آوردند، پرداخته شده است. همچنین سایر پژوهشگران دانمارکی که حتی پیش از آن زمان، درباره زبان‌های ایرانی تحقیقاتی انجام داده بودند نیز در این مقاله معرفی شده‌اند. از جمله این افراد باید به فردریک مونتر<sup>۷</sup>، لسن راسموسن<sup>۸</sup>، راسموس راسک<sup>۹</sup>، نیلس لودوی وسترگور<sup>۱۰</sup>، آگوست وان مهران<sup>۱۱</sup>، ادوارد لمان<sup>۱۲</sup>، آر تور کریستنسن<sup>۱۳</sup>، کای بار<sup>۱۴</sup> و نهایتاً پیترو آسموسن<sup>۱۵</sup>، نویسنده مقاله، اشاره کرد. همچنین این مقاله، اطلاعاتی کوتاه ولی سودمند درباره ایران‌شناسی از کشورهای دیگر اروپایی، مانند سیلواستر

ایران‌شناسی در دانمارک، آسموسن، یس پیترو، ترجمه منیژه احدزادگان آهنی، چاپ اول، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۹، ۱۸۰ص، رقی، ۴۵۰۰ تومان.

سرآغاز سنت خاورشناسی و در ذیل آن ایران‌شناسی، سفرها و ماجراجویی‌های برخی محققین اروپایی بود که منجر به آشنایی مردمان اروپا با فرهنگ ملل مشرق‌زمین شد. بعدها، شاید در سده هجدهم میلادی، در برخی از دانشگاه‌های اروپایی، تدریس زبان‌های شرقی رواج یافت و در حقیقت در رشته‌هایی مانند ایران‌شناسی بیش از هر چیز، به زبان فارسی امروز و نیز زبان‌های باستانی ایران، مانند فارسی باستان، فارسی میانه و اوستایی پرداخته می‌شد. بنابراین نامی که غالباً به این رشته اطلاق می‌شد، فقه‌اللغة (زبان‌شناسی) ایرانی<sup>۱</sup> بود.

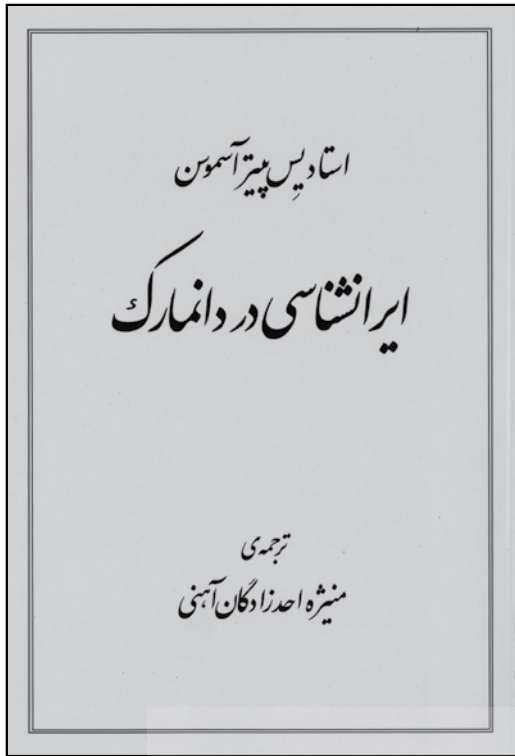
کتاب مورد بحث در این یادداشت، در حقیقت ترجمه‌ای است از دو مقاله متفاوت که در هردو، به نوعی به پیشینه مطالعات و پژوهش‌های ایران‌شناختی مستشرقین دانمارکی پرداخته شده است. مقاله نخست از پروفیسور یس پیترو آسموسن<sup>۲</sup>، استاد فقید ایران‌شناسی در دانشگاه کپنهاگ است که به زبان دانمارکی نوشته شده. این مقاله در اصل، «زبان‌شناسی ایرانی»<sup>۳</sup> نام دارد که در این کتاب، تحت عنوان «ایران‌شناسی در دانمارک» ترجمه شده است (صص ۱۷-۵۴). در این مقاله، پیشینه‌ای از پژوهش‌های ایران‌شناسان

\* دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران / ehsanshavarebi@gmail.com

1. Iranian Philology.
2. Jes Peter Asmussen (1928-2002).
3. Asmussen, J.P., "Iransk filologi", i: København Universitet 1479-1979, hovedred. Svend Ellehøj; under medvirken af Lief Grane [et al.], København Universitet, København, 1979.
4. Adam Olearius (1603-1671).
5. Lars Nannestad Boisen (1803-1875).
6. Frederik Münter (1761-1830).
7. Jens Lassen Rasmussen (1785-1826).
8. Rasmus Rask (1787-1832).
9. Niels Ludvig Westergaard (1815-1878).
10. August Ferdinand Michael van Mehren (1822-1907).
11. Edward Lehmann (1862-1930).
12. Arthur Christensen (1875-1945).
13. Kaj Barr (1896-1970).



دوره دوم، سال پنجم، شماره چهارم و نهم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰



مختصری از متون دینی اوستایی و پهلوی در انتهای این بخش آمده که صرفاً جهت آشنایی خواننده با این متون است. این کتاب در مجموع برای پژوهشگران ایرانی می‌تواند بسیار مفید واقع شود؛ چرا که حاوی مطالب تازه‌ی زیادی درباره‌ی روند پژوهش‌های ایران‌شناسی در اروپا و بخصوص در دانمارک است و تا کنون کمتر اثری در این زمینه به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شده است. همچنین در انتهای کتاب، بخشی تحت عنوان «کتاب‌شناسی استاد پیتر آسموسن» توسط مترجم اضافه شده که بسیار دقیق و کامل بوده و برای محققین عرصه‌ی ایران‌شناسی می‌تواند راه‌گشا باشد. در ضمن متن، حواشی متعدّد و جامعی توسط مترجم کتاب افزوده شده که برای خواننده، حاوی اطلاعات مفیدی درباره‌ی مسائل

دو ساسی<sup>۱۴</sup> فرانسوی، یوهان داوید میکائیلیس<sup>۱۵</sup>، کارستن پیبور<sup>۱۶</sup>، گئورگ فریدریش گروتفند<sup>۱۷</sup> و فریدر کارل آندریاس<sup>۱۸</sup> آلمانی، هنریک ساموئل نوپری<sup>۱۹</sup> سوئدی و ... به دست داده است.

مقاله‌ی دوم با عنوان «دست‌نویس‌های اوستایی و پهلوی دانشگاه کپنهاگ» ترجمه شده و نویسنده آن، یوهان ستاکفلد آیزر<sup>۲۰</sup> است (صص ۶۱-۱۲۶). عنوان اصلی این مقاله «دست‌نویس‌های مشهور جهانی ایرانی کهن ما»<sup>۲۱</sup> بوده و به زبان دانمارکی نوشته شده است. مقاله دارای سه بخش است و هر بخش با محوریت بررسی تحقیقات یکی از پژوهشگران اروپایی که در جهت گردآوری و مطالعه‌ی دست‌نویس‌های اوستایی و پهلوی از هند و ایران کوشیده‌اند، نوشته شده. بخش نخست به نسخه‌هایی پرداخته که راسموس راسک در هند خریداری کرد و اکنون در کتابخانه‌ی دانشگاه کپنهاگ نگهداری می‌شوند. همچنین در این بخش مطالب مختصری درباره‌ی تحقیقات زبان‌شناختی خاورشناسانی مانند فرانتس بوپ<sup>۲۲</sup>، کریستین بارتولومه<sup>۲۳</sup>، فریدر کارل آندریاس و فریتس وُلف<sup>۲۴</sup> آلمانی، هانس رایشلت<sup>۲۵</sup> اتریشی و جیمز دارمستتر<sup>۲۶</sup> فرانسوی نیز به چشم می‌خورد.

بخش دوم به سفر آنکتیل دو پرون<sup>۲۷</sup>، خاورشناس فرانسوی پرداخته و البته با لحنی نسبتاً تند از ساده‌لوحی او در مسائل علمی انتقاد کرده است. این بخش همچنین، اطلاعاتی درباره‌ی پژوهش‌های خاورشناسان فرانسوی همچون دو پرون و مستشرقین بریتانیایی مانند توماس هاید<sup>۲۸</sup> و سر ویلیام جونز<sup>۲۹</sup> در زمینه‌ی متون اوستایی به دست داده و نهایتاً به تتبعات کارل فریدریش گلدنر<sup>۳۰</sup>، ایران‌شناس آلمانی، می‌رسد.

بخش سوم این مقاله درباره‌ی سفرهای نیلس لودوی وستروگر به هند و ایران و تحقیقاتش درباره‌ی متون اوستایی و کتیبه‌های هخامنشی تخت جمشید و نقش رستم است. در نهایت، معرفی

14. Silvestre de Sacy (1758- 1838).

16. Carsten Niebuhr (1733-1815).

18. Frieder Carl Andreas (1846-1930).

20. Johan Stockfleth Eysen (1879-1947).

21. Eysen, J.S., "Vore Verdensberømte Gammel-Iraniske Haandskrifter", Ex Bibliotheca Univeritatis Hafniensis: Nyt og gammelt fra Universitetes Bibliothek og Archiv, Ed. Karl Dumreicher, København, 1920.

22. Franz Bopp (1791-1867).

24. Fritz Wolff (1880-1943).

26. James Darmesteter (1849-1894).

28. Thomas Hyde (1636-1703).

30. Karl Friedrich Geldner (1852-1929).

15. Johann David Michaelis (1717-1791).

17. Georg Friedrich Grotefend (1775-1853).

19. Henrik Samuel Nyberg (1889-1974).

23. Christian Bartholomae (1855-1925).

25. Hans Reichelt (1877-1939).

27. Anquetil du Perron (1731-1805).

29. Sir William Jones (1746-1794).



(Niedersachsen) در شمال غربی آلمان است، ولی در متن این نام «هانور» ضبط شده و از آن به عنوان یک شهر و استانی به همان نام، یاد شده است.

– ص ۳۴، پ ۳: سال تأسیس بندر آستراخان، ۴۶۶م نوشته شده که احتمالاً ۱۴۶۶م درست است.

– ص ۵۱، پ ۲: فردریک ← فریدریش.

Frederik Nietzsche ← Friedrich [Wilhelm] Nietzsche

– ص ۷۲، پ ۴: Wilff ← Wolff.

– ص ۱۰۹، س ۱۵: آرامگاه «داریوش» در نقش رستم، اشتباهاً به نام «کوروش» نوشته شده که می‌شد این اشتباه را در حاشیه کتاب توضیح داد.

با وجود این، حواشی و توضیحات کتاب بسیار سودمند است و می‌تواند به کار اصلاح ترجمه‌های نادرستی که از برخی نام‌ها در زبان فارسی رایج شده بیاید؛ همچون نام خاورشناس سوئدی، نوبری (Nyberg)، که در فارسی با اشتباه به صورت «نیبرگ» ترجمه شده و رواج یافته است.

مختلف طرح شده در مقالات است؛ گرچه برخی از این حواشی در هر دو مقاله تکرار شده‌اند. نیز در برخی از حواشی، اسامی آلمانی با ایرادات اندکی در املای لاتین یا تلفظ‌هایشان ضبط شده‌اند که عمدتاً اشتباهات مطبعی بوده و در این جا به تعدادی از آنها و نیز سایر نکاتی که دارای مشکلاتی بودند، جهت بازبینی و اصلاح در چاپ‌های بعدی اشاره می‌گردد (ص: صفحه، س: سطر، پ: پانوست):

– ص ۱۷، پ ۲ و ص ۷۰، پ ۲: فرانز بوپ ← فرانتس بوپ.

– ص ۲۰، پ ۲: Johan ← Johann؛ وان ← فون.

– ص ۲۱، پ ۱: Van Merhren ← van Mehren.

– ص ۲۴، پ ۱: سال فروپاشی اتحاد شوروی ۱۹۹۱ است که در کتاب ۱۹۹۶ ذکر شده.

– ص ۲۸، پ ۲: Johan ← Johann.

– ص ۲۹، پ ۱: Güttingen ← Göttingen (ضمناً شهر گوتینگن در مرکز آلمان قرار دارد، نه در غرب آن).

– ص ۲۹، پ ۴: شهر هانوفر نام مرکز ایالت نیدرزاکسن

## استدراک

در مقاله «سفینه نوح»، نوشته استاد مایل هروی (در: نشریه گزارش میراث، شماره پیاپی ۴۷-۴۸، صص ۱۱-۱۵) اغلاطی بسهوا راه یافته بود که ضمن پوزش بدین وسیله، استدراک می‌شود:

صفحه ۱۱، ستون ۱: متأخران ← متأخران

صفحه ۱۳، ستون ۲: اشباع ← اشباع

صفحه ۱۳، ستون ۲: کتابت ← کُتاب

صفحه ۱۳، ستون ۲: مستعمان ← مستعمان

صفحه ۱۴، ستون ۱: کلمه «نظم» زاید است.

صفحه ۱۴، ستون ۱: را در ← را به شیربها در

صفحه ۱۴، ستون ۱: صدیقه ← حدیقه

صفحه ۱۴، ستون ۱: ترویج ← ترویج (از ریشه روح)

